

النکت البديعات علی «الموضوعات»

◀ اعظم فرجامی

مقدمه

کتاب النکت البديعات علی «الموضوعات» تألیف عبدالرحمان سیوطی، تحقیق: عامر احمد حیدر، از سوی مؤسسه دارالجنان در یک جلد و ۴۸۶ صفحه، در سال ۱۴۱۱ق، چاپ اول، منتشر شده است.

سیوطی، از دانشمندان و نحویان معروف اهل سنت در قرن دهم هجری است که تألیفات بسیار دارد و حتی به نقلی تعداد تألیفات او به ششصد می‌رسد.^۱ سیوطی بر این کتاب خود، مقدمه‌ای دارد که چاپ مورد اشاره، آمده است. وی در

آن جا خاطر نشان می‌کند چون کتاب الموضوعات ابن جوزی اشتباهات بسیار دارد و وی، بسیاری از احادیث ضعیف را جعلی دانسته است، این کتاب را نوشته تا به طور خلاصه الموضوعات را بازبینی کند. وی برخی مطالب و احادیثی را که ضعیف می‌دانند، در این جا با علّت ذکر می‌کند. و برای بیان نظریات خود، از تعبیر «قلت» استفاده می‌کند. محقق این چاپ، عامر احمد حیدر، نیز شش فهرست بر کتاب افزوده و تقریباً در همه مواردی که سیوطی، قول کسی را نقل

۱. الاعلام، الزرکلی، ج ۳، ص ۳۰۱.



اسم و لقب

سیوطی درباره اسم و تَسَبُّبِ خود می گوید:
عبدالرحمان بن الکیمال ابی بکر بن
محمد بن سابق الدین بن الفخر
عثمان بن ناظرالدین محمد بن
سیف الدین خضر بن نجم الدین ابی
الصلاح آیوب بن ناصرالدین محمد
بن الشیخ همّام الدین المقام الخضیری
الاسیوطی».

وی می افزاید در مورد نسبتش به
«خضیری» چیزی نمی داند، جز آن که
الخضیره، محلّه ای در بغداد بوده است و
از پدرش شنیده که جدّاعلای آنها،
اعجمی و از دیار مشرق بوده است.
مادرش نیز ترك بوده است.

ولادت و وفات

سیوطی درباره ولادت خود می گوید:

من بعد از مغرب شب یکشنبه در
آغاز ماه رجب سال ۸۴۹ متولد
شدم و در زمان حیات پدرم مرا نزد
شیخ محمد مجذوب، مردی از
اولیا بردند تا مرا متبرک کند.

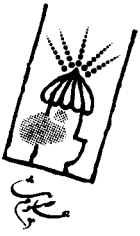
او از همان اوان کودکی بر تحصیل

می کند و یا بدان اشاره می کند. بر آن
پاورقی هایی نگاشته است. در این چاپ
از نسخه خطی کتاب خانه سلیمانیه
استفاده شده و قبل از مقدمه مؤلف، چند
صفحه از ابتدای نسخه خطی هم به چاپ
رسیده است.

برای بررسی کتاب النکت البدیعات،
سعی شده تنها به خود کتاب (اعم از
مقدمه مؤلف و محقق) اکتفا نشود و از
این رو، به سی دی «معجم فقهی» هم
مراجعاتی شده است تا جایگاه کتاب نزد
دیگر مؤلفان و نیز اطلاعاتی درباره
چاپ های دیگر کتاب به دست آید. آنچه
پیش روست، ماحصل این کوشش است.
که مقبول افتد، هر چند هیچ ادّعایی بر
جامعیت آن نیست.

درباره مؤلف

در ابتدای این چاپ از «النکت البدیعات»،
«ترجمة المؤلف» (شرح حال نویسنده) به
نقل از حسن المحاضرة (از دیگر کتب
سیوطی) آمده که شرح حال خودنوشت
اوست.



اساتید سیوطی

سیوطی از اساتید بسیاری استفاده برده و اسامی آنها را در معجمی آورده است. او خود می گوید:

اساتید من در سماع نقل روایت یا اجازه، بسیارند و آنها را در معجم ذکر کرده‌ام و تعدادشان ۱۰۵ نفر است ... از ابتدای سال ۶۶۰۴ به فراگیری دانش، مشغول شدم، فقه و نحو را از گروهی از اساتید، فراگرفتم و فرائض را نیز از علامه فَرَجی شیخ شهاب الدین ... در ابتدای سال ۸۶۶۰ ق، اجازه تدریس

عربی یافتم و در این سال، اولین کتابم شرح الاستعاذة والبسملة را تألیف کردم و آن را به شیخ الاسلام بلقینی عرضه کردم که بر آن، تقریظی نوشت و تا پایان عمرش همراه وی بودم و پس از آن، ملازم فرزندش شدم. سیوطی در این جا قسمتی از علومی را که از دکتر، فرزند بلقینی فراگرفته، نام می برد. وی، پس از فوت فرزند بلقینی، نزد شرف الدین مناوی، دروسی از شرح النهجة را می خواند و بعد از آن، چهار

نزد اساتیدی می رود و در شش سالگی پدرش را از دست می دهد. او کم تر از هشت سال داشته که قرآن را حفظ می کند. و سپس عمدة الاحکام ابن دقیق منهج الطالبین نوی منهج الاصول بیضاوی و ابن مالک را از بر می کند.

نجم الدین غزّی می گوید که سیوطی در سحرگاه شب جمعه نوزدهم جمادی اوّل سال ۹۱۱ ق، در خانه اش باغ مقیاس، وفات یافت و در قرصون به خاک سپرده شد.

مسافرت‌ها

سیوطی بسیار سفر کرده است او در این باره می گوید:

شکر خدا، به سرزمین های شام، حجاز، یمن، هند، مغرب و تکروز، سفر کردم و مسافرتی هم در داخل مصر داشتم ... از آب زمزم، به چند نیت نوشیدم. از جمله این که در فقه به مرتبه شیخ سراج الدین بلقینی و در حدیث به جایگاه ابن حجر برسم.



سال همراه تقی الدین شبلی حنفی تلمذ می کند و کتاب هایی می نگارد که استادش آنها را تأیید می کند و بر آنها و تقریظ می نویسد. پس از مرگ شبلی حنفی، چهارده سال در محضر استاد محی الدین کافجی حاضر می شود و از وی، دروسی چون تفسیر، اصول، ادبیات، معانی افرا می گیرد و سرانجام، نزد شیخ سیف الدین حنفی کشاف، التوضیح و درس هایی چند را فرا می گیرد. سیوطی می گوید:

در هفت علم، مهارت یافتم: تفسیر،

حدیث، فقه، نحو، معانی، بیان به

شیوه بلیغان عرب نه به شیوه غیر

آنها) و فلسفه ... و به غیر از اینها در

علوم دیگر هم کسب معرفت کردم

؛ مثل: اصول (عقاید)، جدل،

تعریف و در مقابلش انشاء، ترسل

و فرائض. اما علم ریاضی، سخت ترین

علم نزد من بود و از ذهنم بسیار دور،

و هرگاه به مسئله ای مربوط به ریاضی

نگاه می کردم، گویی می خواستم

کوهی را جابه جا کنم. در ابتدای

فراگیری علم منطق، خدا آن را نزد

من، مکروه جلوه داد وقتی شنیدم ابن صلاح، حکم به تحریم آن داده، رهایش کردم که خداوند، آن را با علم حدیث، برترین علوم، تعویض کرد. و معتقدم در این هفت علم، بجز فقه و نقل هایی که در آن است، به درجه ای رسیدم که هیچ یک از اساتیدم ... به آن مرتبه نرسیده اند... و هم اکنون هم لوازم اجتهاد را کامل کردم. این را به جهت ذکر نعمت خداوندی می گویم، نه برای فخرفروشی و افتخار.

وی در ادامه اشاره می کند که هرچه

می نویسد، به حول و قوه الهی است، نه

به قدرت و اراده خودش.

اخلاق سیوطی و مدح دانشمندان درباره او

نجم الدین غزّی می گوید:

هنگامی که سیوطی به چهل سالگی

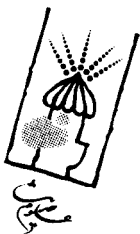
رسید، فقط عبادت و انقطاع از

همگان و توجه به خدا را برگزید و

تنها به آن مشغول شد و از دنیا و

اهلش روی گرداند، گویی که هیچ

یک از آنها را نمی شناسد ... و از



زیادی تألیف، سیوطی را «ابن الکتب» نامیده‌اند. سیوطی می‌گوید:

تالیف‌های من به سبب می‌رسد، بجز کتاب‌هایی که نوشتم و از آنها رویگردان شدم.

در هر حال، سیوطی در حسن المحاضرة، ۲۸۱ کتاب خود را ذکر می‌کند. به طور کلی می‌توانیم مجموع تألیفات او را به هفت دسته تقسیم کنیم:

۱. تفسیر و قرائت و علوم مربوط به آن، حدود ۲۵ اثر؛

۲. علوم حدیث، ۹۱ اثر؛

۳. فقه و علوم مربوط به آن، ۲۱ اثر؛

۴. تک‌نگاری در مسائل خاص، ۴۱ اثر؛

۵. ادبیات، ۳۳ اثر؛

۶. (کلام)، اخلاق و تصوف، ۲۴ اثر؛

۷. تاریخ ۴۴ اثر.

انگیزه تألیف

پس از آن‌که ابن جوزی الموضوعات را نگاشت، بسیاری بر وی خُرده گرفتند که در این کتاب، اشتباه و تساهل، بسیار

۲. الاعلام، زرکلی، ج ۳، ص ۳۰۲.

۳. همان جا.

این کار، روی نگرداند تا وفات یافت... بزرگان و ثروتمندان به دیدارش می‌آمدند و اموال گران‌بهای خود را عرضه می‌کردند؛ اما سیوطی آنها را وامی‌نهاد هم‌سین حکایت با سلطان الغوری نیز تکرار شده است.^۲

سیوطی را با عناوین: امام، حافظ، مورخ و ادیب ستوده‌اند.^۳ و خود او خوابی را که درباره پیامبر (ص) دیده، بهترین بشارت می‌داند.

تالیفات

ابن عمّار می‌گوید:

بیشتر مصنّفات سیوطی در زمان حیاتش در اطراف کره زمین شرق یا غرب، مشهور شد و سرعت نگارش او بسیار شگفت‌آور بود، تا آن‌جا که شاگردش داوودی می‌گوید:

شیخ در یک روز، سه کرایس (جزوه) تألیف نگاشت و با آن همه املا می‌کرد و به مخالفان و معترضان پاسخ می‌داد.

عیدروسی معتقد است که به علت



است؛ چرا که برخی احادیث، آن گونه که ابن جوزی ادعا کرده، ساختگی (موضوع) نیستند؛ بلکه فقط ضعیف اند و حتی ابن صلاح بر این عقیده است که چه بسا حسن یا صحیح باشند.

وقد نصَّ ابن صلاح في علوم الحديث و سائر من تبعه على أنَّ الجوزي تسامح في كتابه موضوعات فأورد فيه أحاديث و حكم بوضعها و ليست بموضوعة بل هي ضعيفة فقط، و ربَّما تكون حسنة أو صحيحة.^۴

ابن حجر نیز در کتاب الذبُّ عن مسند أحمد، برخی احادیثی را که ابن جوزی به عنوان «موضوع» آورده، بررسی و رد کرده و از مسند أحمد، دفاع می‌کند.^۵ و حتی گفته شده ابن حجر، به بازبینی الموضوعات ابن جوزی پرداخته است؛ ولی سیوطی می‌گوید:

من در فهرست مصنفات شیخ الاسلام نگاه کردم... ولی چیزی درباره این تالیف نیافتم.^۶

این چنین بود که سیوطی، خود، این کار را انجام می‌دهد و بازنگری ای کلی بر کتاب دارد و برخی احادیثی را که ابن

جوزی، موضوع و ساختگی دانسته، با شواهد و سندهایی رد می‌کند. او می‌گوید:

انَّ كتاب الموضوعات جمع الإمام أبي الفرج ابن الجوزي قد نبَّه الحفاظ قديماً و حديثاً على أنَّ فيه متساهلاً كثيراً و أحاديث ليست بموضوعة بل هي حين وادی الضعيف ... فتعقبتُ منها كثيراً على وجه الاختصار على نحو ما صنع الذهبي في المستدرک.^۷

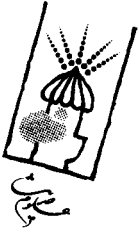
پس از آن، کتابش را نکت البدیعات علی الموضوعات (نکته‌های تازه درباره الموضوعات) نام می‌نهد. و سپس کتابش را خلاصه می‌کند و برخی مطالب را نیز به آن می‌افزاید و اللئالی المصنوعة في الأخبار الموضوعة نامگذاری می‌کند. کتاب اللئالی مشهورتر است و ابوالحسن علی بن محمد بن عراق، بر آن شرحی عنوان تنزیه الشريعة الموضوعه عن الاخبار المشيعة

۴. سبيل الهدى والرشاد، الصالحى الشامى، ج ۱، ص ۲۵۸.

۵. كشف الظنون، حاجى خليفه، ج ۲، ص ۱۹۰۷.

۶. سبيل الهدى والرشاد، للصالحى الشامى، ج ۱، ص ۲۵۸.

۷. معجم المطبوعات العربية، ج ۱، ص ۱۰۷۷.



باب دوم، دربارهٔ حدیث «مَنْ كَذَبَ عَلِيَّ...» از پیامبر (ص) توضیحاتی آمده است. در باب سوم به نقد و بررسی رجال حدیث و سند، توصیه شده و در باب چهارم، مباحث کتاب ذکر شده که در پنجاه باب آمده است و مؤلف، تعبیر «کتاب» را برای هر باب به کار برده است.

پس از آن، در مقدمه ای ۱۸۰ صفحه ای به اولین «کتاب» از باب التوحید می پردازد، به این ترتیب که پس از نقل کامل هر روایت نظر خود و دیگر بزرگان و علمای قبل از خود یا هم عصرش را با ذکر علّت و عیب حدیث می آورد راوی مورد نظر را از دیدگاه دیگر رجالیان، نقد می کند.

الموضوعات، به تحقیق، عبدالرحمان محمد عثمان، در سه جلد در ۲۸۴، ۳۰۶ و ۴۲۴ صفحه به چاپ رسیده است.

اما همان طور که گفته شد، بسیاری به «ابن جوزی» خرده گرفته اند همهٔ احادیثی که در کتابش آورده، جعلی و موضوع نیستند؛ بلکه حتی برخی تا درجهٔ صحیح هم می رسند، از جمله، ابن صلاح و

۸. الموضوعات، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، ص ۲۳۶ (مقدمه).

نگاشته است. ^۸

پس به طور کلی می توان گفت: علّت و انگیزهٔ نگارش این کتاب، الموضوعات ابوالفرج ابن جوزی است که در دو جلد، شماری از احادیث را جعلی و موضوع دانسته و پس، علما بر آن، اشکال کرده اند و گفته اند برخی احادیث، اصلاً ساختگی نیستند و لذا الموضوعات را همراه با اشتباه و تساهل شمرده اند. سیوطی نیز آن را مورد بازنگری قرار داده و احادیث غیر موضوع را با آوردن طُرُق دیگر روایت و ردّ دلایل ابن جوزی، ضعیف یا حتی حَسَن و صحیح دانسته است.

«الموضوعات» چگونه کتابی است؟

از آن جا که النکت البدیعات، دوباره نگری شده الموضوعات است، مناسب می نماید که کمی بیشتر دربارهٔ آن بدانیم.

الموضوعات، نوشتهٔ ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، معروف به ابن جوزی (م ۵۹۷ق) است که در آن، ابن جوزی، قبل از ورود به اصل بحث مقدمه ای نسبتاً طولانی در چهار باب آورده است. در باب اول، مطالبی در مذمت و نکوهش دروغ آمده و



عراقی در الفقیه در فصل «الموضوع» که معتقدند برخی احادیث، فقط ضعیف اند.

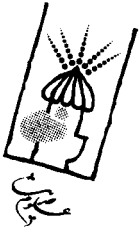
مشخصات «النکت البدیعات»

سیوطی در این کتاب، از اختصاراتی استفاده کرده است. مثلاً برای احمد از نشانه «د»، برای ابوداود از نشانه «و»، برای الترمذی نشانه «ذ» و برای نسائی از نشانه «ن» و برای بیهقی، از نشانه «ق» استفاده کرده و ۳۴۳ حدیث را در هجده باب نگاشته، که تعداد احادیث و نام هر باب چنین است: «باب التوحید»، پانزده حدیث، «باب العلم»، شانزده حدیث، «باب فضائل القرآن»، هشت حدیث، «باب الطهاره»، سه حدیث، «باب الصلاة»، ۲۱ حدیث «باب الجنائز»، ۴۷ حدیث، «باب الحج»، ده حدیث، «باب البیع»، چهارده حدیث، «باب النکاح»، پنج حدیث، «باب الفرائض»، چهار حدیث، «باب الجنایات»، هفت حدیث، «باب الاطعمه»، نوزده حدیث، «باب الباس»، ده حدیث، «باب الادب و الرقائق»، ۷۱ حدیث، «باب بدء الخلق و الانبیاء»، هیجده حدیث، «أشراط

الساعة»، سه حدیث، «باب البعث»، شانزده حدیث، «باب المناقب»، ۵۶ حدیث.

سیوطی در پایان این هجده باب در قسمت «تنبيه» متذکر می شود: در این سیصد حدیثی که متهم به جعل اند و آورده است، یک حدیث از صحیح مسلم و یک حدیث از صحیح البخاری (به روایت از حماد بن شاکر) از مسند احمد، ۳۸ حدیث، از سنن ابی داود، نه حدیث، از سنن الترمذی، سی حدیث، از سنن النسائی، ده حدیث، از سنن ابن ماجه، سی حدیث، و از مستدرک حاکم، شصت حدیث در این تعداد هستند. پس به طور کلی، از صحاح سته و مسند و مستدرک، ۱۳۰ حدیث در النکت البدیعات آمده است. از دیگر کتاب ها، مثل المؤلفات بیهقی، صحیح ابن خزیمه و ابن حبان، مسند الدارمی و تاریخ البخاری، و سنن دارقطنی احادیث آمده است.

طولانی ترین باب های کتاب، «باب الادب و الرقائق» است باب ۷۱ حدیث در ۶۵ صفحه، «باب المناقب» با ۵۶ حدیث در ۵۴ صفحه و «باب الجنائز» با ۴۷



کرده و پس از آن، اشکال را پاسخ
دادم یا با توثیقِ راویِ جرح شده یا
ذکر شواهدی بر آن.

النکت البديعات، علاوه بر چاپ
حاضر (مؤسسه دارالجنان)، گویا یک بار
در لاهور به سال ۱۸۸۶م، چاپ سنگی
شده است. در پیوست، مجموعه‌ای با
شماره ۵۶. ۹

جایگاه «النکت البديعات»

از آن جا که سیوطی خود، النکت البديعات
را خلاصه کرده و برخی مطلب را بر آن
افزوده و کامل کرده و اللثالی نامیده،
کتاب دوم، نزد دانشمندان رجالی و
پس از او، محبوب تر و معروف است و
مورد مراجعه بیشتری قرار گرفته است. با
این همه، جستجویی در دیگر کتاب‌ها
انجام دادیم تا جایگاه النکت البديعات و
میزان اعتبار و اهمیت آن، روشن شود.

این نکته هم شایان ذکر است که برخی
کتاب‌ها از النکت البديعات با عنوان
تعقیبات سیوطی علی موضوعات ابن
جویری یاد کرده‌اند و به طور خلاصه، آن
۹. معجم المطبوعات العربية، ج ۱، ص ۱۰۷۷.

حدیث در ۴۱ صفحه. دیگر بابهایی که
شامل احادیث بیشتری می‌شوند، عبارت‌اند
از: «باب الصلاة» با ۲۱ حدیث، «باب
الاطعمة»، با نوزده حدیث، «باب بدء
الخلق و الانبياء» با هجده حدیث.

شاید اینها نشان می‌دهد در آن دوره،
چه مسائلی بیشتر مورد توجه بوده و چه
اشکالاتی می‌گرفته‌اند. برای مثال،
نکته‌های اخلاقی و لطائف (باب الأدب
والرفائق) یا فضیلت شماری (باب
المناقب) که از نظر ابن جوزی جعلی‌اند،
سیوطی از آنها دفاع کرده است.

مقدمه مؤلف، بعد از مقدمه محقق و
قبل از شروع مباحث، آورده شده و در آن
آمده است:

سپاس، مخصوص خداست و
درود سلام بر رسول خدا... این
کتاب را خلاصه کردم، بدون آوردن
سند، و بسیاری از آنها را دوباره،
خلاصه‌وار، بازینی کردم؛ همان‌کاری
که ذهبی درباره کتاب المستدرک
انجام داده است... فقط قسمت‌هایی
از حدیث را آوردم و سپس در پی آن
ذکر کسی که حدیث را «علت دار»



و یا عبدالرؤف المناوی در کتاب خود فیض القدير شرح جامع الصغیر،^{۱۶} از این کتاب نام می برد و سخن سیوطی از آن را نقل می کند. صالحی شامی نیز در سُبُل الهدی در چند جا به آن استناد می کند، از جمله در جلد ۶ (ص ۴۳۵ - ۴۳۹). نوشته تحفة الاحوذی نوشته مبارکفوری از نکت البديعات، کمک گرفته است.^{۱۷}

ویژگی های این چاپ

این چاپ که به وسیله مؤسسه دارالجنان و با تحقیق عامر احمد حیدر منتشر شده، نسخه خطی این کتاب موجود در صفحات ۵۹ تا ۱۰۷ از مجموعه ای مشتمل بر تالیفات سیوطی است و در کتابخانه سلیمانیه به شماره ۱۴۶۱ نگهداری می شود، مطابقت داده شده

را التعقبات علی الموضوعات هم گفته اند. از جمله در معجم المطبوعات العربية،^{۱۰} تحفة الاحوذی نوشته مبارکفوری^{۱۱} و خلاصة عبقات الانوار از سید حامد نقوی،^{۱۲} همچنین در کشف الخفاء از عجلونی،^{۱۳} رسائل فی حدیث ردّ الشمس نوشته محمدباقر محمودی^{۱۴} و جواهر المطلب فی مناقب الإمام علی (ع) نوشته ابن دمشقی^{۱۵} با عنوان مختصر الموضوعات از آن یاد شده است. اما در برخی کتاب ها به النکت البديعات استناد شده و از آن، منقولاتی آورده اند که اهمیت این کتاب را می رساند. برای نمونه، ابن حجر در کتاب القول المسدّ فی الذب عن المسند للام أحمد، در چندین مورد از منقولات سیوطی در النکت سود جسته و برگفته خود، شاهد آورده است. او در جایی از کتاب خود (ص ۷۸) است.

قال الحافظ الجلال فی النکت البديعات هذا الحدیث، یعنی من شرب الخمر لم تقبل له صلاة أربعین ليله فان مات مات كافراً، صحیح قطعاً.

۱۰. ج ۱، ص ۱۰۷۷.

۱۱. ج ۷، ص ۴۱۲.

۱۲. ج ۱، ص ۴۱.

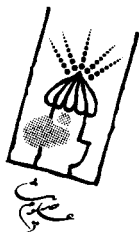
۱۳. ج ۲، ص ۲۸۴.

۱۴. ص ۷۱۸۶.

۱۵. ج ۱، ص ۱۲۴.

۱۶. ج ۱، ص ۶۷۶.

۱۷. ج ۷، ص ۴۱۲.



کردم و در فهراس کتاب، قرار
دادم ...

همان طور که عامر احمد در مقدمه اش
بدان اشاره کرده، فهرست هایی به کتاب
نکت البديعات افزوده است. این فهراس
ششگانه - که تقریباً کامل و جامع اند - از
این قرار است: ۱. فهرست آیات قرآن
کریم که در متن و لابه لای احادیث آمده،
۲. فهرست احادیث مرفوع، ۳. فهرست
اقوال تابعیان و صحابه (احادیث
موقوف)، ۴. فهرست جرح و تعدیل
برخی راویان، ۵. فهرست مصادر،
۶. فهرست موضوعی مطالب کتاب.

همه این فهرست ها به ترتیب الفبایی
تنظیم شده اند؛ اما به طور کلی می توان
به سه کار عمده محقق در این چاپ،
اشاره کرد که شایان توجه است:
۱. همان طور که گفتیم، سیوطی همان
مطالب و موضوع های النکت البديعات را
مفصل تر و با توضیحات و ارجاعات
بیشتر در اللئالی المصنوعة آورده. در
این جا اگر مؤلف (سیوطی) ارجاعی دهد
یا ادعا و نقل قولی می کند که در اللئالی
مبسوطتر بیان شده، مصحح در پاورقی،

است. هر برگه از این نسخه ۲۹ سطری و
با اندازه ۵/۱۷ × ۵/۲۴ cm که خط آن
واضح و روشن است و به همراه دیگر
ملحقات مجموعه، تاریخ بسال ۱۰۵۸
دارد.

این مشخصات نسخه خطی قبل از
مقدمه محقق آمده است. این کتاب به
عربی تألیف شده و به نظر می رسد به
فارسی یا زبان دیگری ترجمه نشده و
شرحی نیز بر آن نوشته نشده است.

محقق در مقدمه کتاب، انگیزه خود را
از انجام دادن این کار، چنین توضیح
می دهد:

وقتی دیدم سیوطی بر الموضوعات
این جوزی در دو کتاب جداگانه
(اللئالی المصنوعة والنکت البديعات)
بررسی و نقد کرده، بر آن شدم به
نحوی هر دوی آنها را یکی کنم. از
این رو، با این کار و آوردن فهراسی
در پایان کتاب، خواستم از رجوع
به دیگر کتاب ها بی نیاز شوید. پس
احادیش که بیشتر از اللئالی المصنوعة
آمده، آیات قرآنی و بیشتر احادیث
مرفوع و موقوف و آثار را خارج



اضافات مؤلف را ذکر می‌کند و حتی در همان مطالب اللثالی را که در پاورقی ذکر می‌کند - اگر نقل قول یا ارجاعی دیگر باشد، آنها را هم با ذکر شماره صفحه و جلد کتاب مورد نظر، نشانی می‌دهد. این قسمت با تعبیر «زاد المصنف فی اللثالی» آمده که ابتدای هر پاورقی مربوط به این موضوع اشاره و روشن و واضح است.

۲. هر حدیثی که در متن کتاب آمده، در پاورقی با ذکر شماره حدیث، جایگاه آن را در کتاب الموضوعات با ذکر شماره جلد (جزء) و شماره حدیث (رقم) مشخص می‌کند و طریقی را که حدیث در الموضوعات آمده بازگو می‌کند. مثلاً: «أورد من طریق الخطیب، انظر تاریخه» (۹ / ۳۶۸)^{۱۸} و نیز من طریق ابن عدی انظر الکامل» (۱ / ۳۰۷)،^{۱۹} که اگر از منابعی که هم اکنون در دسترس هستند، استفاده شده باشد، آنها را هم با ذکر جلد و صفحه ارجاع می‌دهد، که در مثال‌های یاد شده نیز دیده می‌شود.

۳. در مواقعی که مؤلف از کتاب یا فردی نقل می‌کند و مطلبی را انتساب

می‌دهد، محقق، پس از ارجاع در پاورقی، نام کامل کتاب نویسنده، جلد و صفحه مورد اشاره را ذکر می‌کند.

روی هم رفته این سه کار و تلاش محقق، بر ارزش این چاپ افزوده و آن را مناسب تحقیق‌ها و پژوهش‌ها در اسرع وقت کرده است. و شایان ذکر است محقق این مورد را خود به طور خلاصه در قسمت «منهج التحقيق» توضیح می‌دهد.

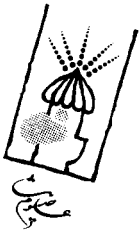
شیوه مؤلف و چند نمونه

مؤلف پس از ذکر شماره و کلمه «حدیث» و نیز برخی اختصارات، برای این که تعیین کند چه کسانی این روایت را در کتابشان آورده‌اند، اولین راوی از پیامبر (صحابی را ذکر می‌کند. سپس مقدار کوتاهی از حدیث را، علی طریقه الاطراف،^{۲۰} می‌آورد و در آخر با کلمه «الحدیث» نشان می‌دهد که روایت، ادامه دارد. سپس علت حدیث را با ذکر راوی جرح و قدح شده از نظر ابن جوزی بیان

۱۸. النکت البدیعات، ص ۱۹۳ (پی نوشت).

۱۹. همان جا.

۲۰. مقدمه مؤلف، ص ۳۰.



مسند الدارمی اطلاق علیه جماعه
إسم الصحيح، ثم وجدت الحديث
ورد من طريق آخر عن انس مرفوعاً.
أخرجه الديلمی في مسند الفردوس.
این روایت، اولین روایت النکت
البديعات است که «ی»، یعنی «الدارمی»
و «قب» یعنی «البیهقی» که در کتاب هایشان
این روایت را به این طریق آورده اند.
این روایت به واسطه وجود ابراهیم بن
مهاجر، که منکر الحديث و متروک است،
اشکال دارد و بیمار محسوب می شود.

بعد از «قلت» نظر سیوطی بر رد ادعای
ابن جوزی آغاز می شود و شماره های ۱ و
۲ و ۳ و ... ، پاورقی های محقق درباره
ارجاعات و نشانی منقولات کتاب ها و
اشخاص. سرانجام محقق پس از آخرین
پاورقی در این حدیث (۵) چنین می آورد:
زاد المصنّف في اللثالی المصنوعة
(ج ۱، ص ۱۰) و ابن ابی عاصم
في.

و بعد، دیدگاه سیوطی در اللثالی
درباره این حدیث را می آورد. برای نمونه

۲۱. باب التوحید، ص ۳۱.

۲۲. مقدمه مؤلف، ص ۳۰.

می کند و بعد از آن، با ذکر کلمه «قلت»،
نظر دیگر رجالیان مخالف را - که اغلب
راوی مورد نظر را یا جرح یا حد اقل در
آوردن از کذب و جعل، تأیید می کنند - و
در آخر، نظر خود را بیان می کند و یا اگر
کسانی باشند که این روایت را در کتاب هایشان
ذکر کرده اند یا مشابه آن را آورده اند،
برای شاهد مثال، می آورد. محقق این
کتاب نیز نشانی دقیق ارجاعات را در
پاورقی می آورد.

چند نمونه

برای آشنایی دقیق تر با شیوه کار، چند
روایت از این کتاب را می آوریم.

[۱] حدیث ی قب ابی هریره: «إن

اللّه قرأ طه و یس» الحدیث. ۲۱

اعله لا ابراهیم بن مهاجر، منکر
الحدیث متروک.

قلت: قد قال فيه ابن معین: ليس به
باس. ۲۲ والحدیث أخرجه الدارمی

في مسنده و ابن خزيمة في التوحيد
و البیهقی في شعب الإيمان، و قد

قال - أعني البیهقی - إنه لا يخرج في

تصانیفه حدیثاً یعلمه موضوعاً، و



شیوه استدلال سیوطی در این حدیث، چنین است که از قول ابن معین، جرح وارد شده بر ابراهیم بن مهاجر را رد می‌کند. پس با استناد به این که دارمی در مسندش (که عده‌ای بر آن کتاب «اسم الصحیح» اطلاق کردند)، این حدیث را آورده و همین طور، ابن خزیمه در کتاب التوحید، و بیهقی در شعب الایمان، و درباره شعب الایمان هم بیهقی گفته در تصانیف از حدیثی که به وضوح، موضوع جعلی است، استفاده نمی‌کنم و در آخر، سیوطی می‌گوید: این حدیث را از طریقی دیگر از انس به صورت مرفوع در مسند الفردوس دیلمی یافته است و به این ترتیب، حدیث را از اتهام جعلیت، مبرا می‌کند.

[۳۰۸] - حدیث ت ق ابی سعید:
«یا علی! لا یحل لاحد یجنب فی هذا المسجد غیری و غیرک». فیه کثیر النواء، غال فی التشیع، عن عطية العوفی، ضعیف.

قلت: أخرجه الترمذی (۱) و البیهقی فی سننه (۲) من طریق سالم بن ابی

حفصة عن عطية قرالت تهمة كثير، وقال الترمذی: حسن غریب و قد سمعه مني محمد بن اسماعیل، و قال النووی... (۳) إنما حسنه الترمذی شواهد و قد ورد من حدیث سعد بن ابی وقاص أخرجه البزاز (۴)، و عمر بن الخطاب أخرجه أبو یعلی، و أم سلمة أخرجه البیهقی فی سنة (۵)، و عائشة أخرجه البخاری (۶) فی تاریخه و البیهقی (۷)، و جابر بن عبد الله أخرجه ابن عساکر فی تاریخه، (۸) و من مرسل ابی حازم الأشجعی أخرجه الزبیر بن بکار فی اخبار المدینة. (۹)

در این حدیث نیز که سیصد و هشتمین حدیث این کتاب است، برای ترمذی از نشانه «ت» و برای بیهقی، از نشانه «ق» استفاده کرده و اتهامات ابن جوزی مبنی بر غالی بودن و تشیع پذیرفته نمی‌شود و در پایان، سیوطی، طُرُق دیگری که این حدیث وارد شده را هم با ذکر ناقل حدیث ذکر می‌کند.